

# سهم و خواست کارگران از توافق هسته ای (ایران کنتررا ۲)

مهدی کوهستانی

امروزه، مناقشه بر سر انرژی هسته ای جمهوری اسلامی ایران، به عنوان بزرگترین چالش تاریخی، پیش روی حکومتگران ایران، سازمان ملل متحد و به خصوص آمریکا و غرب است.

## مقدمه

دور از واقعیت نیست که در آینده نزدیک شاهد تفاهم نامه هسته ای ایران و شش کشور جهان باشیم. شکست نامه ای که بانیانش آنرا نرمش قهرمانه می خوانند، نرمشی که نتیجه اش از لحاظ اجتماعی بیش از دو میلیون و هفتصد هزار کودک کار [۱]، پنج میلیون کودک که نمیتوانند به مدرسه بروند [۲]، سن تن فروشی به دوازده سال رسیده است [۳] و ایران دارای رتبه اول اعتیاد دنیا است یعنی ۲.۲ درصد جمعیت معتاد هستند. [۴] روزانه هزاران تن مواد مخدر مصرف میشود و هر سه ساعت یک نفر در رابطه با مواد مخدر می میرد و طبق آمارسالانه ۵۷۰ تن مواد مخدر مصرف میشود [۵] فقط پانصد تن مواد مخدر در مرزها کشف میشود که به دست مافیای سپاه می افتد.

مافیای سپاه بطور رسمی و غیر رسمی در تمام شئون اقتصادی ایران فعال است، بطور غیر رسمی از قاچاق مواد مخدر، تجارت و بانک در آسیای جنوب شرقی باندهای پولشویی، کالاهای قیمتی و کشتار آدمها و در بخش رسمی هم در زیر به آن میپردازیم. این تفاهم نامه که سران حکومت آنرا بدتر از قرارداد ترکمانچای می دانند. [۶] تفاهمی است اقتصادی. ما در این نوشته بحثمان به بخش مهمی از این تفاهم نامه است که در آن گروه شش باید در نظر بگیرد و آنهم بخشی که از حق مردم ایران یعنی حقوق بشر و طبقه کارگر در آن وجود ندارند. حکومت ایران که نزدیک به سی سال است که با رفتن در مسیر هسته ای میلیونها انسان را در بدترین شرایط قرار داده [۷]. توان ساختن بمب هسته ای رویایی بوده از طرف سپاه پاسداران - نیروهای امنیتی و دارندگان قدرت کشور، زیرا بانیان اش از این طریق میخواستند و می خواهند حکومت اسلامی را نگه دارند این امر تنها با سرکوب داخلی و باجگیری در منطقه برایشان عملی بوده است. شش کشوری که در یک

طرف این مذاکرات هستند، چهار کشور آن هر روز در رسانه هایشان از بدتر شدن وضعیت سیاسی و اقتصادی ایران دم میزنند. [۸]. شاید گفته شود از این شش کشور میشود این انتظارات را داشت، اینکه چهار کشور غربی برای گرفتن مزایای اقتصادی با دو کشور چین و روسیه در کنار هم نشسته اند و با هم رقابت میکنند برای خرید انرژی و فروش کالاهایشان به کشوری که زیر سلطه سپاه پاسداران است کاری ناشدنی نیست اگر نیروهای مدنی هماهنگ حرکت کنند. می توانند لیست بسیاری از فرماندهان سپاه که در لیست تحریمها هستند را گسترش دهند. اگر رسانه های غربی توسط نویسندگان ایرانیشان از بهبود روابط خبر میدهند [۹] و بسیاری از سایتهای ایرانی نیز خواهان حمایت کردن از مذاکرات هسته ای هستند [۱۰] شش نفر از کارگردانان ایرانی هم بجای آنکه تاثیر فجایع هسته ای را بتصویر بکشند خواهان توافق هسته ای هستند [۱۱] البته مجیدی توضیح میدهد که این درخواست خصوصی ظریف از او بوده است که باید آن را زیر سوال برد! شاید در داخل ایران بحث از مسئله هسته ای خط قرمز حکومتی باشد و اگر غیر خودی حرف بزند عواقب بدی در انتظارش باشد، اما این امر از مسئولیت ما نمیکاهد و باید از آنها بخواهیم حقوق بشر، حقوق کارگر و دادخواهی از سپاه و نیروهای امنیتی بخشی از این قرارداد باشد. در این نوشته به ایران کنتررا دو اشاره میشود و در ادامه به ارتباط جنبش کارگری و سازمان جهانی کار پرداخته میشود.

## وضعیت اقتصادی کارگران

شرایط اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و وضعیت زندگی و امرار معاش طبقه کارگر ایران در جمهوری اسلامی، روز به روز بیشتر سقوط می کند. کارگران به غیر انسانی ترین شیوه ها، مورد استثمار و تحقیر قرار می گیرند. مسئول درجه یک همه این بدبختی ها و ناملایمات، سرکردگان و دست اندرکاران درجه یک جمهوری اسلامی می باشند و هر روز بیش از پیش، به اشکال گوناگون به این ستم ها و فجایع خود می افزایند. رژیم ایران، حداقل های قانون کاری را که خود در «قانون اساسی» بدان ها گردن نهاده است، زیر پا گذاشته و به ضرر بیشتر کارگران تغییر می دهد و این در حالی است که کارگران امکان یا توان ایستادگی در مقابل شرایط سخت و غیر انسانی تحمیلی را ندارند.

با این که دولت ایران پیمان های جهانی شماره های ۲۹، ۱۰۰، ۱۰۵، ۱۱۱، ۱۸۲ ( مبارزه با کار بردگی، خواهان دستمزد برابر در ازای کار برابر، مبارزه با تبعیض، پرداخت به موقع حقوق کارگران، مبارزه با کار کودکان) را امضا کرده است، در عمل به همه آن ها

پشت پا می زند.

هم چنین بر طبق ماده ۲۷ قانون اساسی که به صراحت تشکیل انجمن های صنفی را حق قانونی کارگران می داند و تظاهرات و اعتراضات کارگری را برای دفاع از منافع صنفی خود آنان به رسمیت می شناسد، کارگران حق داشتن هیچ اتحادیه و انجمن صنفی را ندارند. آنان از داشتن هرگونه تشکل صنفی و سندیکایی، محروم هستند. کارگران در ایران، بر اساس مقاوله نامه های ۸۷ و ۹۸، حق تجمع و بستن قرار داد دستجمعی مستقل خود را ندارند. حاکمیت خود دست به تشکیل انجمن و شوراهای اسلامی کار در جهت حفظ منافع سرمایه داران و در راستای سرکوب کارگران پیشرو زده است. این مساله به دفعات متعدد مورد اعتراض کارگران و فعالین کارگری و نهادهای کارگری جهانی قرار گرفته و میگیرد و به همین دلیل، تعداد زیادی از نمایندگان کارگران و فعالان کارگری در زندان ها اسیرند که محرومیت های زیادی از جمله بیکاری، مشکلات خانوادگی و آواره گی نیز باید برشمرد.

امروزه، مناقشه بر سر انرژی هسته ای جمهوری اسلامی ایران، به عنوان بزرگترین چالش تاریخی، پیش روی حکومتگران ایران، سازمان ملل متحد و به خصوص امریکا و غرب است. در چنین شرایطی که سطح زندگی کارگران از پایینترین استانداردهای معیشتی در جهان برخوردار است، سخن اصلی و نقش و وظیفه نمایندگان کارگران و فعالان کارگری، پرداختن به نیازهای طبقه کارگر ایران می باشد، کاری که با سرکوب پاسداران تا به دندان مسلح سرمایه پاسخ داده می شود.

تحریم های اقتصادی که تنها به نفع سپاه و دلان اقتصادی است، بیشترین زیان ها را به طبقه کارگر ایران و همه زحمتکشان می زند. زمامداران حکومتی به اشکال مختلف مانند بستن کارخانه ها به بهانه نبود مواد اولیه، تورم و بحران روبه افزایش اقتصادی را دامن میزنند، بر فقر و فلاکت مردم ایران می افزایند. بازار سیاه ایجاد شده توسط مافیای سپاه پاسداران، کمر کارگران را خم کرده و نان را از سفره آنان می دزدد. آمار ها نشان می دهند که بیش از ۴۰ درصد کارگران در بسیاری از استان های کشور بیکارند. امروز چهار بخش اصلی اقتصاد از نفت-پتروشیمی، معادن، خودرو سازی تماما در دست وزارت نیرو قرار گرفت و در آخرین مصاحبه وزیر نفت زنگنه [۱۲] علنا سخنرانی کرد که هیچ بخش اقتصادی نیست که خصوصی و زیر نظر امنیتهای نباشد و حتی وزارت نفت پولی برای پرداخت حقوق کارکنان خود ندارد. ایشان حتی اعتراض داشت چرا صندوق تعاون، رفاه و بازنشستگی را هم ول نمی کنند. ایشان به فساد نیروهای

امنیتی پرداخت . البته تحقیقات جهانی نشان میدهد که ایران در رتبه صد و چهل و چهارم از نظر فساد در کنار کشورهای روسیه سابق قرار دارد.

از همه این ها مهم تر، مسئله پیش بردن برنامه های ریاضت اقتصادی حاکمیت با توجه به سیاست های بانک جهانی، مانند قطع یارانه ها ، واردات بی رویه محصولات خارجی ، خصوصی کردن نهادهای مالی و رواج کثیف ترین نوع مالی ربا خواری است که ضربه زیادی به اقتصاد کشور می زند و سبب شده بخش غیر رسمی (اینفرمال) که گاه کارگر باید در سه شغل متفاوت کار کند تا بتواند هزینه زندگی اشان را تامین کند، کارگرانی که گاه تا بیست سال کار میکنند ولی هنوز کارکن رسمی بحساب نمی آیند و کارگران قرار داد سفید که هیچگونه مزایای ندار. کشور ایران سمبل ریاضت اقتصادی غرب است (از محل تولد که بیمارستان باشد تا گورستان که بهشت زهرا باشد خصوصی است) .

گروه ۱+۵ و ایران هماهنگ در کنار هم قرار است در ماه نوامبربه توافق هسته ای برسند، بنابراین لازم است توافق هسته ای خواست اصلی مردم ایران یعنی حقوق بشر و در ادامه آن حقوق کارگران، یعنی حق کار شایسته و حق داشتن سندیکا و تشکل های کارگری در داخل کشور و همبستگی های بین المللی کارگران ایران با سایر کارگران جهان، توسط دولت ایران، به عنوان امضا کننده کنوانسیون های جهانی، در عمل به رسمیت شناخته شده و رعایت و اجرا شود. اینکه ایران هیچگاه نمیخواهد تن به مسئله حقوق مردم و کارگران بدهد وظیفه ما را در اعلام آن کم نمیکند. ما نه تنها باید آنرا بخواهیم بلکه برای اجرا آن به کشورهای ۱+۵ باید فشار بیاوریم.

بطور نمونه می توان به کشور برمه نگاهی کرد و از تجربیات کارگران آن درس آموخت. نهادهای مدنی این کشور در زمانی که توافقات میان سازمان ملل و دولت نظامی جونتو صورت می گرفت، بسیار فعال بودند و در تاریخ برمه، نقش آفرینی کردند. آن ها به غربی ها فشار آوردند که با هر نوع توافقی، نباید حقوق مردم برمه را نادیده بگیرند. این مقایسه به هیچ وجه نمی خواهد نشان دهد که جامعه ایران همانند جامعه برمه است. ولی این موضوع را می توان پذیرفت که نیروهای اجتماعی برمه از سال ۱۹۶۲ همیشه براساس منافع مردم برمه حرکت کرده اند و نیروهای اجتماعی برمه، چه مائوئیست ها و چه آنهایی که خواستار جامعه غربی اند، هیچگاه نخواسته اند از خط قرمز، دفاع از منافع ملی خود عبور کنند. نهادهای اجتماعی برمه از زمان اعتراضات دانشجویی ۱۹۸۸ که دانشجویان به جنبش کارگری پیوستند تا زمان

توافق لغو تحریم های سازمان ملل در سال ۲۰۱۱ و پذیرفتن حق انتخابات، تشکل، اعتصاب، اعتراض و آزادی مطبوعات از پای ننشستند و تمامی فشار های خود را بر مجامع بین المللی وارد کردند. آنان هیچ گاه منافع مردم را نادیده نگرفته اند. [۱۳]

حکومت اسلامی ایران تا به حال بنا به دلایل سیاسی و ایدئولوژیک نخواستہ در جهت منافع مردمش قدمی بردارد. تنها در جهت منافع خودی ها گام برمی دارد. نگاهی به وضعیت اقتصادی کارگران و حقوق بشر که بارها از طرف جوامع جهانی مورد اعتراض قرار گرفته و اعدام ها به خوبی نشان می دهد که جمهوری اسلامی برای ماندگاریاش به تمامی تعهدات خفت بارش به بانک جهانی پای بند است، اما نسبت به حق و حقوق مردم ایران، هیچ گونه پای بندی ندارد. البته ناگفته نماند که سیاست هایی (مانند تحریم) از طرف امریکا و جوامع غربی درمقابلہ با سیاست های هسته ای جمهوری اسلامی تنها تاثیر بسیار سخت و منفی بر زندگی مردم ایران داشته است و رژیم از این تحریم بسیار سود هم برد و این جسارت و فرصت را به حاکمیت داده تا هم سیستم و هم اقتصاد کشور را نظامی کند.

حکومت اسلامی ادعاهای کذایی زیادی در رابطه با وضعیت اقتصادی و زندگی مردم ایران دارد. در رابطه با شرایط اقتصادی حکومت جمهوری اسلامی، باید به کارنامه دروغین آن نیز نگاهی انداخت تا مشاهده شود چگونه آمار و ارقام ساختگی به داخل و خارج ارایه می کنند در حالی که زندگی مردم روز به روز فلاکت بارتر می شود.

محاسبه شاخص های رفاه طی دهه هشتاد نشان می دهد که این شاخص طی سالهای ۸۵ تا ۸۹ نسبت به سالهای ۸۰ تا ۸۴ به میزان ۵۸ درصد کاهش یافته است. در این محاسبه به مولفه هایی از جمله هزینه واقعی خانوار، هزینه مسکن، هزینه های فرهنگی و تفریحی، نرخ بی کاری و آهنگ تغییرات نرخ تورم توجه شده که منبع اعلامی این آمارها بانک مرکزی و مرکز آمار بوده است. کاهش ۵۸ درصدی شاخص رفاه در دولت های نهم و دهم در حالی است که چند روز پیش هم زمان با مناسبت دومین سالگرد آغاز طرح هدفمندی یارانه اعلام شد که سطح رفاه مردم طی چند سال گذشته و بخصوص پس از اجرای طرح هدفمندی یارانه ها افزایش داشته است.

در سال ۱۳۷۶ نرخ بیکاری جوانان یعنی نسبت درصدی جوانان بیکار به جوانان شاغل، تقریباً برابر بود. اما در تابستان امسال نرخ بیکاری جوانان شهری ۲۵.۴ و نرخ بیکاری جوانان روستایی ۱۵.۶ اعلام شده

است. طبق آمار، ۲.۵ میلیون بیکار در روستاهای کشور وجود دارد. [۱۴]

اما دولت نه تنها در داخل با توجه به نرخ بالای بیکاری و تورم با شکست مواجه شده است بلکه در .

سطح بین المللی نیز در شرایط بسیار ضعیفی قرار دارد.

### **بن‌بست‌های درونی و بین‌المللی:**

بررسی سه طرح عمده اقتصادی در تاریخ جمهوری اسلامی (تعدیل اقتصادی، ساماندهی اقتصادی و تحول اقتصادی) نشان می‌دهد که نظام برآمده از انقلاب ۱۳۵۷، در انجام اصلاحات لازم برای پایه‌ریزی یک اقتصاد مدرن و هماهنگ با فرآیند جهانی شدن، ناکام مانده است. دو طرح «تعدیل اقتصادی» و «ساماندهی اقتصادی» دستکم از پشتوانه کارشناسی برخوردار بوده اند. در واقع بخش مهمی از تکنوکراسی جمهوری اسلامی، با درس گرفتن از تجربه تلخ اقتصادی ایران در ده سال نخست پس از انقلاب و نیز شکست قطعی اقتصادهای دولتی در جهان، از آغاز دهه دوم انقلاب به اصلاح جهت‌گیری‌های اقتصادی آن روی آوردند، با این باور که می‌توان نظام اسلامی تهران را با کارآمدی در عرصه‌های تولیدی و بازرگانی آشتی داد. این امید هم به ناکامی کشیده شد.

طرح «تحول اقتصادی» احمدی‌نژاد به سرنوشتی بدتر از دو طرح پیشین گرفتار خواهد آمد، زیرا در ستیزه‌جویی آشکار با دستگاه کارشناسی کشور فراهم آمده است. با انحلال سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی و خانه نشین شدن شمار زیادی از چهره‌های اصلی تکنوکراسی نوپای جمهوری اسلامی، دولت «اصولگرا» سرنوشت برنامه‌ریزی اقتصادی در ایران را به کسانی سپرد که درجه آگاهی بسیاری از آنها از واقعیت‌های اقتصادی کشور و جهان، هم سطح آگاهی انقلابیون ۱۳۵۷ است. تجربه اصلاحات اقتصادی در ایران پس از انقلاب به جایی نرسید، زیرا نظام جمهوری اسلامی به دلیل بن‌بست‌های درونی خود نتوانست شرایط درونی و بین‌المللی لازم را برای به ثمر رسیدن این تجربه فراهم آورد.

کارگزاران «تعدیل اقتصادی» و «ساماندهی اقتصادی» تصور می‌کردند که می‌توانند یک استراتژی مدرن اقتصادی را، که محورهای نظری آن در بلند آوازه‌ترین دانشگاه‌های جهان و مراکز تحقیقاتی سازمان‌های بین‌المللی فراهم آمده، با نظام ولایت فقیه آشتی دهند. روزگار به آنها آموخت که تعهد و قابلیت «قدرت سیاسی» در پیشبرد فرآیند توسعه، شرط اصلی در به ثمر نشستن اصلاحات اقتصادی است. نظام حاکم

چین در دوران پس از مائوتسه تونگ ارتقای توان اقتصادی این کشور را در صدر اولویت‌های خود قرار داد، حال آنکه چنین هدفی، در نظام ولایت فقیه، در زمره اولویت‌ها نیست. به علاوه، پیشبرد اصلاحات اقتصادی به فضای بین‌المللی مناسب نیاز دارد. به همین سبب کارگزاران سیاست‌های «تعدیل» و «ساماندهی»، اصطلاح «تعامل با خارج» را ابداع کردند تا بلکه نظام «مکتبی» تهران را به پرهیز از تنش‌آفرینی در فضای بین‌المللی کشور تشویق کنند. [۱۵]

## مسئله هسته ای ایران

نسل کشی دهه شصت نمایندگان سیاسی و عدالت خواهانه جامعه در زندان ها و یا در خیابان ها به رژیم این اطمینان را می داد که دیگر نیرویی که بتواند در مقابل سیاست های غیر انسانی اش، قد علم کند، حداقل تا یک دوره به عقب رانده و ثبات رژیم فعلا تامین است و از طرفی با سیاست های اقتصادی در رابطه با خصوصی سازی یا خودمانی سازی در عرصه داخلی می تواند برای به رسمیت شناخته شدنش توسط نهادهای اقتصادی همانند بانک جهانی پول، فرصت لازم را به دست آورد که البته این ها را مدیون دوران سردار سازندگی هاشمی رفسنجانی می باشد.

در زمانی که غرب با نیروهای همکارو دست ساز سابق خویش، مانند القاعده درگیر بود، کاملا واضح است که جمهوری اسلامی به دنبال پیشبرد اهداف هسته ای خود بود. در پاییز سال ۱۳۸۱ رسماً [۱۶] دستیابی به فناوری هسته ای را اعلام کرد. حکومت ایران می دانست که فعلا می تواند هر کاری بکند. ولی روشن است که اساس و هدف دستیابی به انرژی هسته ای در زمان دولت رفسنجانی پایه ریزی شد.

رژیم اینگونه اعلام میکند "توجه ویژه به صنعت صلح آمیز هسته‌ای با شروع دوباره تکمیل نیروگاه اتمی بوشهر، مهم تر و قابل توجه تر شد." [۱۷] از زمان فروپاشی شوروی رژیم شروع به گسترش روابط و همکاری با کشورهای تازه استقلال یافته آسیای میانه و قفقاز کرد، باید از حیث اهمیت موضوع اشاره ای داشته باشیم که این فرصت را برای رژیم اسلامی فراهم کرد تا نیروها و سازمان های امنیتی و اطلاعاتی خود را در این کشورها مستقر کند و سیاست های سرکوب داخلی و جنگی خود را در منطقه، هم زمان با توسعه فعالیت های اقتصادی که هم سو با برنامه هسته ای است و نظامی کردن اقتصاد کشور پیش برد. سرمایه گذار های بزرگ در این کشورها که با مشکلات اقتصادی و سیاسی بسیاری درگیر هستند، فرصت طلایی در اختیار حاکمیت ایران

گذاشته است. از سوی دیگر رژیم می دانست در مسیری حرکت می کند که دیگر رژیم های استبدادی منطقه، مانند پاکستان، قبلا آن را طی کرده اند. داشتن سلاح هسته ای در دستان یک رژیم نظامی که سپاه پاسداران بر تمام شئون اقتصادی و سیاسی آن تسلط دارد به شدت به زیان مردم ایران و دنیا است.

### تشابهات ایران کنتررا و حل مسئله هسته ای در این دوره

مذاکرات علنی هسته ای در این دوره شباهت بسیاری با روابط پشت پرده ایران کنتررا دهه شصت دارد. بد نیست یک بازنگری کنیم و ببینیم که چطور تنها بازندگان این توافقات مردم ایران هستند. مذاکرات پشت و بیرون پرده روابط ایران با امریکا تنها به بی اعتمادی مردم به اپوزیسیون بسیار کوچک در خارج دست زده است. اپوزیسیونی که از طرف بنگاههای خبری غربی حذف شده اند و هر روز از تعداد آنها کم میشود و متأسفانه اپوزیسیون فریبکاری جای آنها گرفته که خود در توافقات ایران کنتررا دهه شصت نقش داشته اند. اگر در داخل ایران در هر دو دوره بخاطر سرکوب کسی نمیتوانسته حرفی بزند ولی در بیرون از ایران جریانات مماشات گرا تمام انرژی اشان را گذاشته اند تا این توافق صورت بگیرد، بدون توجه به خواسته های مردم. نقش نیروهای امنیتی را نباید در این دوره دست کم گرفت که موزیانه از طریق نیروهای متحدشان مسئله تحریمها را مطرح میکنند و با امپریالیست هراسی دروغین خود راه را برای سازش بیشتر هموار میکنند. در صورتیکه در هر دو دوره که توافقات امریکا و ایران یا همکاری ایران و غرب هراس از نیروهای عدالتخواه درون ایران بوده است که هم ضد جنگ هستند و هم ضد اشغالگری. در زمانیکه منطقه خاورمیانه را آتش بنیادگرایی برداشته، نیروهای اجتماعی ایران با صدای بلند میگویند که ریشه جریانات بنیادگرایی در حکومت ایران است. در شرایطی که غرب در تلاش است با حمایتش از تغییرات از بالا در دولتهای خاورمیانه و از این رهگذر نقشه خاورمیانه را عوض کند، نیروهای اجتماعی ایران خواستار تغییرات بنیادی در ایران و منطقه هستند و بهیچ وجه دنباله شعارهای رای من کو و تنها خواستار رفع حصر بدون آزادی سیاسی و عدالت اجتماعی پایه ای نیستند.

معمار نظام یعنی هاشمی رفسنجانی به عنوان یکی از اصلی ترین سیاست گذاران رژیم در تمامی دوران های متفاوت در ماندگاری رژیم نقش داشته است. ایشان متناقض ترین و در عین حال ماکیاولیست ترین شخص در حیات سیاسی بعد از انقلاب می باشد. البته شخصیت رفسنجانی نماد



دو رویی و روبه صفتی است. این شخصیت در درون نظام به عنوان حامی و در خارج نظام به عنوان اپوزیسیون شناخته می شود، غافل از اینکه بازی با کلمات و فریب دادن مردم، نقش اصلی او است. این شخصیت تبلور خودش را در روحانی نشان می دهد. ایران کنتررا در دو پرده :

## پرده اول

دو تعریف از ماجرای ایران کنتررا را باید در این جا عنوان کرد.

رضا گلپور در کتاب شنود اشباح سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی سال هشتاد و یک نوشت: " جریان سنتی روس گرا در ایران، موسوم به حزب توده و گروه های مسلح چپ التقاطی و منافق نیز مدت ها قبل از تهیه گزارش جاسوسی « فولر » و همکارانش، لااقل در حدی که قادر به سازماندهی جدی نیروهای خود در داخل کشور نباشند، مضمحل و متلاشی شده بودند. وجود تفرقه در کشور ایران و امکان حمایت عربستان سعودی از تبعیدیان « کمپ » را تشویق می نمود که چنین پیشنهادی را تسلیم نمایند . (صفحه ۸۲۸ و ۸۲۹).

کمپ که بود؟ جفری کمپ مدیر ارشد امور خاورمیانه و جنوب آسیا در شورای امنیت امریکا بود که تعدادی از همکاران او بعد از این گزارش در بیروت ربوده شده بودند ص ۸۲۹.

باب وودورد [۱۸] در کتاب «جنگ های مخفی سازمان سیا» می نویسد که «ویلیام کیسی» [۱۹] زمانی که گزارش پنج صفحه ای «راستاهای سیاستگذاری در ایران» را که «گراهام فولر»، مسئول خاور نزدیک و آسیای جنوبی سازمان سیا برایش ارسال کرده بود، خواند، متوجه شد که گزارش بسیار عمیقی است. او گفت هیچ کس خوش بین نیست که بتوانیم روزی به ایران بازگردیم. برای جلوگیری از نزدیکی ایران به شوروی، باید سریعاً دست به کار شد. از آنجائی که می دانست عده ای از جمله مک فارلین، همکاری با ایران را نمی پذیرند، نوشته فولر را برای شولتز فرستاد. دو کار عمده باید صورت می گرفت:

آزادی گروگان های امریکایی در لبنان [۲۰] و همکاری اسرائیل با ایران، برای فروش اسلحه تا این سلاح ها در نیکاراگوئه علیه ساندینست ها استفاده شوند. با یک تیر دو نشان زده می شد. اول ایران از همکاری با شوروی دست می کشید، دوم مبارزین کمونیست در امریکای لاتین سرنگون می شدند. [۲۱]

البته گلپور گزارش فولر را این چنین منعکس میکند " که شوروی

پیشرفت هایی در بدست گرفتن اهرم قدرت در تهران بدست آورد. این پیشرفت، اگرچه ناهمگون بوده است، لیکن با توجه به خطرات احتمالی، نیاز به پاسخگویی دارد. چنانچه شوروی ها، در ایران پیشرفت نمایند، ما باید به تعهدات خود، نسبت به پاکستان و ترکیه عمل کرده و آن ها را در برابر شوروی که مسلما اهداف منطقی بعدی او خواهند بود، تقویت نماییم"

پس چه نیروهای درون نظام و چه سازمان سیا هر دو از رشد نیروهای چپ با حمایت شوروی نگران بودند. اتفاقا نوشته آنها به دلیل این که مخالفین درون نظام، خواهان همکاری بودند، به عنوان یک سند داخلی مطرح بود. این مخالفین هم کسی جز باند هاشمی رفسنجانی نبودند. این باند توسط مهدی هاشمی لو رفت و منجر به کشته شدن او شد. مک فارلین، از مخالفین اصلی این همکاری، در ادامه توانست برای آزادی گروگان ها نقش اساسی بازی کند. او موفق شد با کمک روحانی و قربانی فر، هفت گروگان امریکایی را در لبنان آزاد کند. البته چه در زمان مسائل ایران کنتر و چه در حال حاضر، ترس نیروهایی مانند هاشمی رفسنجانی، فروپاشی نظام، بعد از مرگ خمینی است. البته در زمان بحبوحه مسائل ایران کنتر یکی از رابطین بنام عدنان خاشقیچیسرمایه دار اهل عربستان سعودی و همکار منوچهر قربانیفر که با هم در کار فرش فروشی آشنا شده بودند گلپور مینویسد، عدنان خاشقی [۲۲] به هفته نامه آلمانی اشترن می گوید: قربانی فر این موضوع که بعد از فوت آیت الله خمینی که چندان دور از انتظار نیست بود سه گروه به خاطر دستیابی به قدرت با هم مبارزه می کنند. من اطمینان یافتم که قربانی فر یک مامور رده بالاست."

جناح اول میر حسین موسوی نخست وزیر که علیرغم داشتن دشمنی خود با کشورهای غربی، به دلیل بالا رفتن نیازهای ایران، به خصوص نیاز به اسلحه در جنگ، خواهان داشتن تماس با غرب است. جناح دوم، همان جناح معتدل به رهبری علی اکبر هاشمی رفسنجانی است. او اعتقاد داشت که ایران می تواند روابطی با جهان آزاد برقرار کند. جناح سوم جناح محافظه کاران بود که آیت الله منتظری رهبری آن را دارد و شدیداً خواهان برقراری رابطه با امریکا بود و دقیقا از تمامی مراحل برقراری رابطه مطلع بود ص ۸۴۰ دو جناح منتظری و رفسنجانی معتقد بودند بعد از فوت خمینی جناح رادیکال مخالف با امریکا حذف خواهد شد. ص ۸۴۰ و علی خامنه ای نفوذ خود را از دست خواهد داد. ص

برهمن اساس است که می بینیم که این بار فراتر از خواست خودشان در دوره ایران کنتررا پیش می روند و این بار جناح هاشمی در زمان زنده بودن رهبر مسئله رابطه پشت پرده را در فضای جامعه مطرح می کنند و این دو گرایش مخالف و موافق امریکا در عرصه عمومی برای بقا نظام مبارزه می کنند.

رفسنجانی در دوران نابودی ساختار اقتصادی که به دوران سازندگی معروف بود، توانست مبارزات طبقه کارگر را مهار کند. با این که سیاست دوگانه هاشمی، در داخل و خارج، بهای سنگینی برایش داشته است. ولی او در حفظ نظام بسیار موفق بوده است. در زمان خاتمی این خواسته های اقتصادی مردم از دل خواسته های سیاسی بیرون آمد و رژیم مجبور بود که عقب نشینی کند و این مبارزات تحمیل شده به رژیم توانست فضای مبارزاتی ایران را در دهه هشتاد شمسی رقم بزند. در بحبوحه این دوران و در دوران ریاست جمهوری خاتمی است که می بینیم در اوج مبارزات مدنی و اقتصادی، مسئله هسته ای دوباره برجسته می شود. البته نیز می دانیم که امریکا و اروپا به بهانه وجود سلاح های هسته ای و شیمیایی اقدام به اشغال عراق و افغانستان کردند و این جنگ ها بهای بسیار سنگینی برای مردم خاورمیانه داشته است که امروز به تدریج می رود تا به نابودی منطقه منجر شود. ولی سیاست نادرست غرب نباید مجوزی برای نابودی ایران توسط رژیم باشد. نیروهای اجتماعی در پانزده سال گذشته نشان داده اند که خواسته هسته ای از جانب ایران نه برای استفاده از انرژی هسته ای، بلکه برای باجگیری بیشتر است و مسئله هسته ای مساوی با نابودی حقوق مردم ایران است و نباید گذاشت که رژیم برای گرفتن باج از غرب، این مسئله را مطرح کند و حقوق مردم ایران را پایمال نماید.

## پرده دوم

از زمان ریاست جمهوری روحانی دیگر عملا برای تمامی نیروهای موافق و مخالف چه در داخل و چه در خارج روشن شده که این رژیم هیچ گاه منافع اقتصادی و سیاسی اش در تضاد با امریکا و غرب نبوده است. مبارزات سال هشتاد و هشت در ایران نتوانست عروج داشته باشد. زیرا متفکران این اعتراضات، خود در درون رژیم بودند و خواست هایشان از تغییر در درون فراتر نمی رفت و محکوم به شکست شد. ولی آگاهی که به درون جامعه آورد بسیار بالا بود. حتی بسیاری از فرماندهان سپاه می گویند که نیرویی که از ما گرفته شد، دست کمی از کشته شدگان جنگ هشت ساله نداشته است. به خوبی می بینیم که در سال ۲۰۱۰ جورج سوروس [۲۳] بلیونر مجازی به روش بسیار زیرکانه ای برای سقوط رژیم

شرط بندی می کند. اما پیام اصلی برای حکومت اسلامی است که خطر جدی است و باید چاره ای اندیشید و باید همانند سال شصت و سه شمسی (ماجرای ایران کنترال) بیرون بیایید و برای منافع مشترک ایران و امریکا قدم بردارید تا ما هم با شما همکاری کنیم. [۲۴] برای شناخت بهتر نسبت به پروژه سوروس باید به مرکز ویلسون نگاهی کرد. این مرکز در رابطه با ایران از سال ۱۹۹۹ تا به حال بیش از ۱۹۳ جلسه با شرکت بسیاری از سیاستمداران امریکایی و با کمک مالی بنیاد راکفلر در واشنگتن، برگزار کرده است [۲۵]. در کنار این مرکز کمپانیای نفتی از طریق نایاک نقش بسیاری داشته اند برای رسیدن به توافق هسته ای. ولی مهمترین نهاد مرکز جامعه باز جورج سوروس است. بر همین اساس است که نماینده بنیاد بحران جهانی که سوروس، رئیس هیئت مدیره آن است، خانم لوییز آربر [۲۶]، به ایران می رود و مانند همیشه با رفسنجانی دیدار می کند. آربر در نهادی فعالیت دارد که بسیاری از نخست وزیران و دولتمردان سابق اعضای تصمیم گیرنده آن هستند و مطالبی که این نهاد چاپ می کند، مبنای کار دولت های غربی است. سه کشور اروپایی و امریکا بیشترین ضرر را در رابطه با تحریم های ایران می بینند و همین اصل است که هر چه زودتر خواهان رسیدن به این توافق هستند.

### جنبش کارگری و ارتباط با سازمان جهانی کار

بازگشایی دفتر سازمان جهانی کار امری است همانند باز بودن دفتر سازمان ملل در ایران. تفاوت عضویت در سازمان تجارت جهانی و باز بودن دفتر سازمان جهانی کار این است که سازمان تجارت جهانی هر طور بخواهد قرارداد میبندد ولی سازمان جهانی کار بر اساس کنوانسیونهای جهانی عمل میکند. مصوبه های سازمان جهانی کار قابلیت اجرایی ندارد ولی برای اعضای سازمان تجارت جهانی مهم است که مصوباتی را که دولت ایران امضا کردن نهد. برای همین است که حکومت واقعا نیاز دارد که این استانداردهای بین المللی را بداند و چگونگی پیدا کردن آنها یاد بگیرد. حکومت میدانند که بازگشایی دفتر سازمان جهانی کار فقط بدرخواست خودش نیست. اینکه حکومت این بازگشایی را یک امر سیاسی و متعلق بخود میدانند تاکتیک همیشه گی حکومت بوده است. اما تا حدودی بازگشایی این دفتر در ایران نیاز به موافقت بخش کارگری جنبش مستقل کارگری ایران و در ادامه آن بخش کارگری اتحادیه های جهانی است. یکی از ضعفهای جنبش کارگری ایران در این است که بسیاری از افراد فعال کارگری همیشه بسیار ذهنی تر به مسائل کارگری برخورد کرده اند تا واقعیت اصلی. فعالین کارگری

درون محیط کار هم نیاز بسیاری دارند که مصوبات بین المللی رعایت شود. در طول سه دهه گذشته بسیاری در مقاطع مختلف به مبارزه کارگری کشیده شده اند که متأسفانه به دلایل متفاوت در درون مبارزات نیستند و کمبود کادرهای کارگری آزموده که بتوانند این مسائل را انتقال بدهند بسیار محسوس است و فعالین کارگری مستقل هم آنچنان زیر ضرب هستند که انرژی خودشان را باید صرف زندان و آزادی از زندان بگذارند. در طول یک دهه گذشته جنبش مستقل کارگری برای اضافه دستمزد و حقوق عقب افتاده بسیار تلاش کرده اما در بخش مبارزه با خصوصی سازی ضعف اساسی داشته. قراردادهای موقت و خصوصی سازی طبقه کارگر را فلج کرده است. بحث بر سر بازگشایی دفتر سازمان جهانی کار از این زاویه مهم است.

حکومت با ساختن جریاناتی مثل خانه کارگر [۲۷] و گرایشات طرفدار خودش در عرصه بین المللی گمان میکند با مشکل زیادی روبرو نیست. حکومت میدانند بعد از توافق هسته ای حتما باید در این عرصه فعالیت داشته باشند و ما خواهیم دید کسانی شروع میکنند برای دفاع از این بازگشایی و در کنارش قرار میگیرند. حکومت از طریق شناختن اش از وضعیت عینی و ذهنی جنبش کارگری سالهاست میخواهد بقبولاند که میتواند همانند داخل در خارج هم موفقیت داشته باشد. البته پخش خبر هر ساله بازگشایی دفتر سازمان جهانی کار که آرزویش است را باید از منظر دیگری هم دید که حکومت سعی کرده تا مدتها انرژی نیروهای همیار طبقه کارگر را به هرز برد و با مباحث قبول داشتن و نداشتن سازمان جهانی کار یک انشقاق درون جنبش کارگری بوجود بیاورد. در صورتی که بحث سازمان جهانی کار را نه براساس جایگاه طبقاتی آن نهاد بلکه براساس امکاناتی که در اختیار دارد و میشود در خدمت جنبش کارگری گرفت نگاه کرد.

بطور مثال در پانزده سال گذشته رژیم همیشه با پخش اخبار در ارتباط با سازمان جهانی کار مبنی بر همکاری و بازگشایی دفتر این سازمان، بسیاری از نیروهای اجتماعی و سیاسی را به این نظر اشتباه می رساند که دوباره یک زد و بند صورت گرفته است. کدام زد و بند؟ اتفاقاً این رژیم است که دائم ادعا میکند که سازمان جهانی کار اصولی حرکت نکرده و چرا هیئتهای تکنیکی و همکاری آموزشی با ایران ندارد؟ چرا ما نباید کارهای جنبش مستقل کارگری را برجسته کنیم؟ دهها بار جنبش مستقل کارگری نگذاشته نمایندگان رژیم در جلسات ای ال او شرکت کنند و یا نمایندگان آی ال او به ایران بروند، ایران نتواند رئیس دوره ای آی ال او بشود و هیئتهای تکنیکی گزارشاتشان

را بنفع جنبش مستقل کارگری ارائه دهند. اتفاقاً بحث جایگاه اتحادیه های کارگری درون آی ال او باید بحث جنبش کارگری باشد. ربیعی چرا در مصاحبه اخیر میگوید، در دیدار مدیرکل سازمان بین‌المللی کار با وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی، موضوع بازگشایی دفترسازمان بین‌المللی کار در تهران مورد بحث و بررسی قرارگرفت. به گزارش ایسنا، علی ربیعی، [۲۸] در این دیدار برگزاری نشست مجمع عمومی را فرصتی مغتنم برای تبادل نظر میان کشورهای دانست و گفت: توجه به مهاجرت منصفانه یک بحث جدی در سطح جهانی است چراکه غرب رشد و توسعه نوین خود را مدیون مهاجرین است. ”

رژیم همیشه خواهان این بوده که مسئله تشکل کارگری را بنفع خود [۲۹] و از طریق یارانش پیش ببرد ولی موضوع بازگشایی قبل از اینکه از طرف مسئولین رژیم مطرح باشد [۳۰] بیش از ده سال است که بحث درون خود جنبش کارگری است این است که چرا توافقنامه اتان را اجرا نمیکنید یعنی توافق سه جانبه سازمان جهانی کار، نماینده رژیم و نماینده خانه کارگر در سال ۱۳۸۱ در تهران. دلیل شرکت اعضای سندیکای واحد در نشست سازمان جهانی کار در شهر تبریز بر اساس آن توافق بود [۳۱] که در همان زمان در خارج بحثهای زیادی را دامن زد [۳۲] که بسیاری معتقد بودند همان توافق دروغین است ولی تاثیراش این بود که امکان مبارزه کارگری را بالا برد. دیگر براحتی نمیتوانستند در بازجویی انگ بزنند.

ولی باید پذیرفت بازگشایی دفتر سازمان جهانی کار در زمانهای متفاوت مطرح میشود . [۳۳] اما در ارتباط با بازگشایی دفتر سازمان جهانی کار (ILO) در این دوره، دیدگاههای متفاوتی وجود دارد و ما شاهد تماسهای از درون ایران با آی ال او هستیم و این بحثها گاه از جدا شدگان خود رژیم هم شنیده میشود، اما دو نظر اصلی در این رابطه وجود دارند که عبارتند از:

موافقین بازگشایی، آن کسانی از سندیکالیست ها و فعالین کارگری مستقل هستند که معتقدند تجربه سندیکاهای کشورهای امریکای لاتین نشان می دهند که ارتباط با سازمان جهانی کار و بازگشایی دفتر این سازمان در ایران، شاید بنفع رژیم باشد اما به نفع تشکل های مستقل کارگری نیز هست و به رشد آگاهی کارگران کمک می کند. البته اگر در دست خود نیروهای کارگری قرار بگیرد نه خانه کارگر و یارانش.

اما مخالفین باز گشایی معتقدند که باز شدن دفتر ILO که دلیل اصل مخالفت شان را تا حدی پیش میبردند که سه جانبه گرایی تفرقه در

جنبش کارگری میدانستند تنها و تنها به نفع حکومت است [۳۴] والبته کم نیستند کسانی که جامعه ایران را با چین مقایسه میکنند و میگویند که تجربه چین نیز نشان می دهد که این سازمان کار آمد مثبتی برای کارگران نداشته است. از طرفی به رسمیت شناخته نشدن تشکل های کارگری در ایران امکان همکاری و هرگونه حرکت مثبتی را می گیرد و از طرفی بازگشایی این دفتر وجه خوبی به دولت ضد کارگری اسلامی در دنیامی دهد و از طرفی به عملکرد سازمان جهانی کار که از نمایندگان دولت ها تشکیل شده، نمی توان بیش از این انتظار داشت.

البته بازگشایی دفتر سازمان جهانی کار در ایران پیامدهای متفاوتی بدنبال دارد و باید اشاره کرد که تجربه چین نشان می دهد که وجود دفتر سازمان جهانی نمی تواند موثر باشد اما تجربه تشکلات کارگری مستقل در مرز چین و هنگ کنگ توانسته بیشترین فشار را بر روی رژیم چین بیاورد تا حدی که شبکه هزاران وکیل مستقل کمکی است برای نمایندگی کارگران معترض در دادگاه ها. این وکلای مستقل که دواطلبانه وکالت ها را انجام می دهند، توانسته اند تا حدود زیادی حتی قراردادهای دستجمعی را به کارفرما تحمیل کنند و نیروهای جهانی [۳۵] با فشار بر کمپانی های کشورهای خودشان قرارداد دستجمعی را حق مسلم کارگران می دانند.

در رابطه با کلمبیا و فیلیپین دفتر سازمان جهانی کار عملکرد متفاوتی داشته و حتی تا کمیسیون تحقیق برای شناسایی عاملین کشتار فعالین کارگری فعالیت داشته و در رابطه با امریکای لاتین توانسته حتی از درون خود همان کشورها مسئله پناهندگی و کمک به خانواده های فعالین کارگری را روشن کند.

از سویی نیز جنبش کارگری ایران بعد از عبور از بسیاری مشکلات گذشته، شروع به حرکت در مسیری کرده که بسیار مهم و سرنوشت ساز است. فعالیت یاران رفسنجانی و خانه کارگر هم در عرصه داخلی و هم در عرصه بین المللی توانسته اند کمک های بسیاری به تداوم سرکوب کارگران و از دست رفتن بیشتر منافع زحمتکشان و از جمله نداشتن تشکل مستقل کارگری در محیط کار بکند. جنبش مستقل کارگری در دهه قبل بسیاری از فعالین خود را از دست داد زیرا خط چهره سازی که توسط بخشی از جریان های سیاسی مطرح شده بود، توانست برای سرکوب آسان مبارزات کارگری کمکی برای رژیم باشد. اما مبارزات دوساله گذشته تفاوت برجسته ای داشته است. کارگران بخش انرژی با استفاده از تاکتیک های بهتر، از جمله کمک گرفتن از افراد محلی و خانواده ها در دو مورد توانستند رژیم را برای دستمزد بیشتر و خصوصی سازی

عقب بنشانند.

از یک طرف جنبش کارگری در این دوره نیازمند کمک فراگیر نهادهای بین‌المللی بیشتری است و از سویی نیز نباید گذاشت نهادهای دست‌ساز رژیم در عرصه بین‌المللی دوباره به رسمیت شناخته شوند و همچنین نباید اجازه داد که حقوق مردم و زحمتکشان بر سر توافق هسته‌ای از بین برود.

توافق هسته‌ای یعنی توافق بر سر همکاری‌های بیشتر با رژیم جمهوری اسلامی، اما باید صریحا اعلام کرد که مسئله حقوق بشر و حقوق کارگری از این اصل جدا نیست.

### نتیجه

سایت تانک با اشاره به آخرین نوشته دیوید فروم [۳۶] شخصی که سخنرانی مشهور جورج دبلیو بوش در رابطه با محور شرارت را نوشته بود، امروز اعلام می‌کند "که این جمهوری اسلامی است که سر ما را کلاه گذاشته است. نشریه آتلانتیک در ادامه این نوشتار مدعی می‌شود، مذاکرات آغاز شد، به این دلیل که ایالات متحده دارای ابزاری قدرتمند در مقابل ایران از تحریم تا خرابکاری و نیروی نظامی بود؛ اما رهبران ایران می‌دانستند سیاست چماق و هویج آمریکا نیز بی‌اثر است، زیرا چماقی که حریف نخواهد مورد استفاده قرار دهد، اصلا چماق نیست و هویجی که خود آمریکا بیشتر تمایل به خوردنش دارد، اصلا هویج نیست." بله شاید فروم به اشتباه خودشان اعتراف میکند امید است همین انتقاد از خود به نیروهای مخالف رژیم هم برسد. نیروهاییکه با افتادن دنبال موج ضد امپریالیست، جنبش دادخواهی و کارگری را نقد کردند. اما با دوره جدیدی روبرو هستیم که باید بسیار شفاف صف‌آرایی‌ها روشن شود. پس بالطبع در این شرایط باید بسیار محکم ایستاد و در هر دو زمینه کار کرد یک-خواستار این بود هرگونه توافق باید به مسئله حقوق بشر و کارگران بپردازد و جزیی از توافق باشد و حکومت هم می‌داند چه در رابطه با ایران کنترلی که منجر به نابودی بسیاری از شهرهای ایران و کشته و زخمی شدن میلیون‌ها انسان شد و چه نابودی زیرساخت اقتصادی و سیاسی جامعه ایران در سیزده سال گذشته، باید تاوان آنرا بپردازد. دو-پاشنه آشیل این حکومت جنبش عدالتخواهی است و ما در خارج نه تنها از کشورهای غربی بخواهیم بلکه در عرصه شناخت و دادگاهی سرمایه‌دارانی که پولهای مردم را به این کشورها می‌آورند فعالیت کنند و در شناسایی مجرمینی که در سرکوب مردم از بعد از انقلاب نقش داشته



# اند و در این کشورها سکونت دارند فعال باشیم.

مهرماه هزارو سیصدو نودوسه

[/http://www.donya-e-eqtasad.com/news/۴۶۳۰۱۸](http://www.donya-e-eqtasad.com/news/۴۶۳۰۱۸) [۱]

[http://www.kanoon-zendanian.org/DOcuments\(htm\)-۶/۱۱۰۲۰۱Kudak.htm](http://www.kanoon-zendanian.org/DOcuments(htm)-۶/۱۱۰۲۰۱Kudak.htm) [۲]

<http://almezmaah.com/persian/news-print-۱۱۸.html> [۳]

<http://tazehnews.com/print/۸۱۹۳> [۴]

[۵]

<http://hoornews.com/۱۳۹۳/۰۳/۰۱/%D۹%A۷%D۸%B۱-%DB%B۳-%D۸%B۳%D۸%AV%D۸%B۹%D۸%AA-%DB%AC%DA%A۹-%D۹%A۶%D۹%A۱%D۸%B۱-%D۸%AA%D۹%A۷-%D۸%AE%D۸%AV%D۸%B۷%D۸%B۱-%D۸%AV%D۸%B۹%D۸%AA%DB%AC%D۸%AV%D۸%AF-%D۸%AF%D۸%B۱-%D۸%AV%DB%AC%D۸%B۱%D۸%AV%D۹%A۶-%۲>

<http://isfahanpress.ir/fa/news/۵۰۳۵/%D۹%A۶%D۹%A۸%D۸%A۸%D۸%B۱%DB%AC-%D۸%AV%D۹%A۵%D۸%B۶%D۸%AV%DB%AC-%D۸%AA%D۹%A۸%D۸%AV%D۹%A۱%D۹%A۲%D۹%A۶%D۸%AV%D۹%A۵%D۹%A۷-%DA%A۹%D۹%A۶%D۹%A۸-%D۹%A۵%D۸%AB%D۹%A۴-%D۹%A۲%D۸%B۱%D۸%AV%D۸%B۱%D۸%AF%D۸%AV%D۸%AF-%D۸%AA%D۸%B۱%DA%A۹%D۹%A۵%D۸%AV%D۹%A۶%DA%A۶%D۸%AV%DB%AC-%D۸%AA%D۹%A۸%D۸%AC%DB%AC%D۹%A۷-%D۸%B۲%D۸%AF-%D۸%B۲%DB%AC%D۸%B۱%D۸%B۲%D۸%AV%D۸%AF-%D۹%A۱%D۹%A۶%D۸%AV%D۹%A۸%D۸%B۱%DB%AC-%D۹%A۷%D۸%B۳%D۸%AA%D۹%A۷%E۲%A۰%AC%D۸%AV%DB%AC-%D۹%A۱%DB%AC-%D۹%A۶%D۹%A۱%D۸%B۳%D۹%A۷-%D۸%A۸%D۸%B۱%D۸%AV%DB%AC-%D۹%A۵%D۸%AV-%D۸%AV%D۸%B۱%D۸%B۲%D۸%B۲%DB%AC-%D۹%A۶%D۸%AF%D۸%AV%D۸%B۲%D۸%AA>

<http://www.farsnews.com/newstext.php?nn=۱۳۹۲۰۹۰۳۰۰۱۳۸۴> [۷]

<http://www.payvand.com/news/۱۲/oct/۱۲۰۱.html> [۸]

[۹]

<http://www.iranreview.org/content/Documents/A-Positive-Atmosphere-for-the-Expansion-of-Iran-EU-Relations.htm>

<http://www.roozonline.com/persian/opinion/opinion-article/article/-۴۸ab۰f۲b۹d.html> [۱۰]

[۱۱]

<http://www.fardanews.com/fa/news/۳۷۱۱۰۱/%D۹%A۵%D۸%AV%D۸%AC%D۸%B۱%D۸%AV%DB%AC-%D۸%AF%D۸%B۱%D۸%AE%D۹%A۸%D۸%AV%D۸%B۳%D۸%AA-%D۸%B۸%D۸%B۱%DB%AC%D۹%A۱-%D۸%AV%D۸%B۲-%D۹%A۱%DB%AC%D۹%A۴%D۹%A۵%D۸%B۳%D۸%AV%D۸%B۲%D۸%AV%D۹%A۶-%D۸%A۸%D۸%B۱%D۸%AA%D۸%B۱-%>

%D۸%AV%DB%۸C%D۸%B۱%D۸%AV%D۹%۸۶%DB%۸C-%DA%۸۶%D۹%۸۷-%D۸%AA%D۹%۸۸%D۸%AF%D۸%AA%D۹%۸۸%D۸%B۶%DB%۸C%D۸%AD-%D۹%۸۵%D۸%AC%DB%۸C%D۸%AF-%D۹%۸۵%D۸%AC%DB%۸C%D۸%AF%DB%۸C-%D۸%AF%D۸%B۱%D۸%AA%D۸%AV%D۸%B۱%D۹%۸۷-%DB%۸C%DA%A۹-%DA%A۹%D۹%۸۵%D۹%BE%DB%۸C%D۹%۸۶-%D۸%AA%D۸%AV-%D۸%B۴%D۸%B۹%D۸%AV%D۸%B۱-%D۸%AE%D۸%AV%D۸%B۵

[۱۲] زنگنه در تلویزیون دولتی اعلا میکند که در دوازده سال گذشته بخش عمده خصوصی سازیها به وزارت دفاع (پالایشگاه، پتروشیمی، خودروسازی و صنعت نفت زیر نظر سپاه است) است که بالغ بر ۹۸ هزار میلیارد تومان میباشد.

<https://www.youtube.com/watch?v=hgj-teEvJxc&list=UUWCvh0CCBD۲d۸j-kDtcbow>

[۱۳]

<http://www.burmapartnership.org/۲۰۱۰/۰۱/۱۶-۲۲-january-۲۰۱۰-resilience-and-resistance-despite-juntas-repre/ssion>

<http://khabaronline.ir> [۱۴]

نرخ تورم براساس آمار بانک مرکزی بخوبی بیانگر وضعیت نابسامان اقتصادی حکومت برخلاف ادعاهایش میباشد:: نرخ تورم در دولت پنجم و هشتم از نگاه بانک مرکزی بشح زیر است:

سال ۱۳۶۸ نرخ تورم سالانه ۱۷.۴ درصد، سال ۱۳۶۹ نرخ تورم سالانه ۹ درصد، سال ۱۳۷۰ نرخ تورم سالانه ۲۰.۷ درصد، سال ۱۳۷۱ نرخ تورم سالانه ۲۴.۴ درصد، سال ۱۳۷۲ نرخ تورم سالانه ۲۲.۹ درصد، سال ۱۳۷۳ نرخ تورم سالانه ۳۵.۲ درصد، سال ۱۳۷۴ نرخ تورم سالانه ۴۹.۹ درصد و سال ۱۳۷۵ نرخ تورم سالانه ۲۳.۲ درصد بودهاست.

نرخ تورم در دولت هفتم و هشتم رادر ادامه بخوانید:

سال ۱۳۷۶ نرخ تورم سالانه ۱۷.۳ درصد، سال ۱۳۷۷ نرخ تورم سالانه ۱۸.۱ درصد، سال ۱۳۷۸ نرخ تورم سالانه ۲۰.۱ درصد، سال ۱۳۷۹ نرخ تورم سالانه ۱۲.۶ درصد، سال ۱۳۸۰ نرخ تورم سالانه ۱۱.۴ درصد، سال ۱۳۸۱ نرخ تورم سالانه ۱۵.۸ درصد، سال ۱۳۸۲ نرخ تورم سالانه ۱۵.۶ درصد و سال ۱۳۸۳ نرخ تورم سالانه ۱۵.۲ درصد.

نرخ تورم در دولت های نهم و دهم نیز بشح زیر است:

سال ۱۳۸۴ نرخ تورم سالانه ۱۰.۴ درصد، سال ۱۳۸۵ نرخ تورم سالانه ۱۱.۹ درصد، سال ۱۳۸۶ نرخ تورم سالانه ۱۸.۴ درصد، سال ۱۳۸۷ نرخ تورم سالانه ۲۵.۴ درصد، سال ۱۳۸۸ نرخ تورم سالانه ۱۰.۸ درصد، سال ۱۳۸۹ نرخ تورم سالانه ۱۲.۴ درصد، سال ۱۳۹۰ نرخ تورم سالانه ۲۱.۵ درصد و سال ۱۳۹۱ نرخ تورم سالانه ۳۰.۵ درصد وده

<http://jahannews.com/vdceoz۸xvjh۸vei.b۹bj.html>

<http://fis-iran.org/fa/irannameh/volxxv/۳-political-crisis/khavand> [۱۵]

[۱۶]

<http://۱-۲۰.ir/۴۱۵۷/%D۸%AA%D۸%B۱%D۸%B۱%D۸%B۳%DB%۸C-%D۹%BE%D۸%B۱%D۹%۸۸%D۹%۸۶%D۸%AF%D۹%۸۷-%D۹%AV%D۸%B۳%D۸%A%D۹%۸۷-%D۸%AV%DB%۸C-%D۸%AA%D۹%۸۸%D۸%B۳%D۸%B۷-%D۹%۸۶%D۹%۸۸%DB%۸C%D۸%B۳%D۹%۸۶%D۸%AF%D۹%۸۷-%D۸%B۱%D۸%AV%D۸%B۲>

/D۸%B۱%D۸%AV%D۸%B۲

<http://www.nividar.com/news/53632ae8210a01e169d48442> [۱۷]

Bob Woodward: Weil, The Secret Wars of the CIA, ۱۹۸۱-۱۹۸۷ [۱۸]

[http://en.wikipedia.org/wiki/William\\_J.\\_Casey](http://en.wikipedia.org/wiki/William_J._Casey) [۱۹]

[۲۰] بنا بر نوشته تایمز اسرائیل که مشاور رئیس جمهور اسرائیل در دیدار با روحانی و شته بود که روحانی گفته بود که باید خمینی را بپذیرید ولی محکم باشید در رابطه با خواسته تان

[/http://www.timesofisrael.com/when-rouhani-told-an-undercover-israeli-envoy-how-to-deal-with-iran](http://www.timesofisrael.com/when-rouhani-told-an-undercover-israeli-envoy-how-to-deal-with-iran)

[http://en.wikipedia.org/wiki/Iran%E2%80%93Contra\\_affair](http://en.wikipedia.org/wiki/Iran%E2%80%93Contra_affair) [۲۱]

<http://www.centralclubs.com/topic-t12087.html> [۲۲]

[۲۳]

[http://thelede.blogs.nytimes.com/2010/11/12/glenn-beck-sees-george-soros-as-iran-does/?\\_php=true&\\_type=blogs&\\_php=true&\\_type=blogs&\\_php=true&\\_type=blogs&\\_r=2](http://thelede.blogs.nytimes.com/2010/11/12/glenn-beck-sees-george-soros-as-iran-does/?_php=true&_type=blogs&_php=true&_type=blogs&_php=true&_type=blogs&_r=2)

<http://www.al-monitor.com/pulse/originals/2014/04/us-mideast-iran-sanctions-lifting-benefits.html> [۲۴]

<http://wilsoncenter.org/event/nuclear-flashpoints-us-iran-tensions-over-terms-and-timetables> [۲۵]

<http://www.afkarnews.ir/vdcaioneir49nfa1.k0k4.html> [۲۶]

<http://www.veooz.com/photos/2G-yM0f.html>

<http://khabarfarsi.com/ext/8638119>

<http://www.dailyvideoclips.net/?p=1371> [۲۷]

دیدن این مصاحبه از این جهت مناسب است که محبوب بسیار زیبا خودش را افشا میکند.

[۲۸]

<http://weblog24.com/list/%D8%AF%D9%A1%D8%AA%D8%B1-%D8%B3%D8%AV%D8%B2%D9%A5%D8%AV%D9%A6-%D8%A8%DB%AC%D9%A6-%D8%AV%D9%A4%D9%A5%D9%A4%D9%A4%DB%AC-%D8%A9%D8%AV%D8%B1-%D8%AF%D8%B1-%D8%AA%D9%A7%D8%B1%D8%AV%D9%A6-%D8%A8%D8%AV%D8%B2%DA%AF%D8%B4%D8%AV%DB%AC%DB%AC-%D9%A5%DB%AC-%D8%B4%D9%A8%D8%AF.html>

<http://www.worker-today.com/gozaresh/ilo1.htm> [۲۹]

<http://www.didgah.net/maghalehMatnKamel.php?id=4655> [۳۰]

<http://www.akhbar-rooz.com/news.jsp?essayId=6763> [۳۱]

<http://www.akhbar-rooz.com/article.jsp?essayId=۷۴۳۲> [۳۲]

<http://www.worker-today.com/gozaresh/name.htm> [۳۳]

<http://akhbar.gooya.com/society/archives/.۲۳۶۳۶.php>

<http://www.khamahangi.com/post۱۲.htm> [۳۴]

<http://www.kanoonm.com/۵۳۴> [۳۵]

[۳۶]

<http://www.tabnak.ir/fa/news/۴۳۹۲۶۱/%D۸%A۷%DB%۸C%D۸%B۱%D۸%A۷%D۹%۸۶-%D۸%AF%D۸%B۱-%D۹%۸۵%D۹%۸۸%D۸%B۶%D۹%۸۸%D۸%B۹-%D۹%۸۷%D۸%B۳%D۸%AA%D۹%۸۷-%D۸%A۷%DB%۸C-%D۸%B۳%D۸%B۱-%D۸%A۲%D۹%۸۵%D۸%B۱%DB%۸C%DA%A۹%D۸%A۷-%DA%A۹%D۹%۸۴%D۸%A۷%D۹%۸۷-%DA%AF%D۸%B۱-%D۸%A۷%D۸%B۴%D۸%AA%D۹%۸۷-%D۸%A۷%D۸%B۳%D۸%AA>